

بسم الله الرحمن الرحيم^۱

عرض شد که در آخرین مرحله از تنبیه پنجم مبحث حکم ملاقی با یک مشتبه را به تفصیل مورد بررسی قرار می‌دهیم. قسم اول اشاره کردیم ابتدا علم اجمالی است به نجاست یکی از دو مایع در روز شنبه، بعد در روز یکشنبه ظرف الف ملاقات کرد با یک لباس یا با چیز دیگری، اینجا بحث این است که آیا اجتناب از ملاقی لازم است یا لازم نیست؟ عرض شد دو نظریه است. جمعی از علما قائلند به لزوم اجتناب از ملاقی مثل مشتبهین، ادله کسانی که قائلند به وجوب اجتناب از ملاقی هستند، یک دلیل، دلیل **ابن زهره** و اتباع ایشان است که ملاقی از شئون مشتبه است، لذا حکم مشتبه بر ملاقی هم بار می‌شود. این را ما دوره قبل بررسی کردیم و گفتیم که اینگونه نیست، استدلال می‌کنند به آیه شریفه **«والرجز فاهجر»**. که گفتیم این دلیل قابل اعتماد نیست.

یک دلیل عقلی را این آقایان اقامه می‌کنند بر وجوب اجتناب از ملاقی که این دلیل قابل توجه است.

توضیح مطلب: آقایان می‌گویند فرض ما این است که شبهه محصوره است، یک علم اجمالی بین دو مشتبهین شکل گرفت که تجز می‌آورد، بعد ظرف الف با لباس ملاقات کرد، مستدل می‌گوید یک علم اجمالی دوم اینجا شکل می‌گیرد، من شک دارم آیا ظرف ب نجس است یا این لباس؟ می‌گوید وجدانا این علم اجمالی هست، چون لباس با مایع اول ملاقات کرد، عین شک در مایع اول در این لباس هست، اگر خون در مایع اول افتاده باشد مایع نجس است، پس لباس نجس است و اگر خون نیفتاده باشد مایع پاک است پس لباس پاک است لذا عین آن اجمال در مشتبه الف به لباس سرایت می‌کند. نتیجه این می‌شود من اجمالا می‌دانم یا مایع ب نجس است و یا مایع الف و لباس نجس است، این شد علم اجمالی و علم اجمالی در اطراف منجز است و احتیاط واجب است.

از این استدلال که مهم در مسأله است چند جواب داده شده است.

یک جواب از **شیخ انصاری** است که می‌فرمایند به دو نکته توجه شود تا این استدلال درهم ریخته شود:

نکته اول: اصول عملی در اطراف علم اجمالی اگر تعارض فرض شود، به تعارض تساقط می‌کنند اما اگر اصل عملی در اطراف علم اجمالی فرض شد بدون تعارض و معارضی نداشت آن اصل جاری می‌شود. این یک نکته که مورد قبول است.

نکته دوم: باز همه قبول دارند اگر ما اصل سببی و اصل مسببی داشتیم با جریان اصل سببی حکم مسبب روشن می‌شود و نیاز به جریان اصل ندارد. اما اگر اصل سببی به علت محذوری جاری نشد و اصل مسببی بدون معارض بود، باز همه قبول دارند اصل مسببی جاری می‌شود. چون اصل سببی نداریم.

شیخ انصاری می‌فرمایند در ما نحن فیه نسبت به ملاقی ما شک داریم آیا لباس نجس است یا نجس نیست؟ می‌فرمایند بدون شبهه این شک ما شک مسببی است. یعنی در حقیقت ما شک داریم آیا ظرف و مایع الف نجس بوده است؟ اگر مایع الف نجس بوده، لباس هم با او ملاقات کرده و نجس است و اگر او نجس نبوده است لباس هم نجس نیست، پس شک در طهارت و نجاست لباس شک مسببی است.

شیخ انصاری می‌فرمایند در خود سبب اصل جاری نمی‌شود چون به تعارض تساقط می‌کند، اصل طهارت در هر دو سبب تعارض و تساقط می‌کنند. نوبت می‌رسد به شک در مسبب که ملاقی و لباس باشد، فرض این است که یک طرف ملاقی دارد نه هر دو طرف. ما در این لباس که با مایع اول ملاقات کرده و طهارت و نجاستش مسبب از طهارت و نجاست مایع اول است، در طهارت لباس شک داریم در خود آن مایع اصل جاری نبود چون با طرف دیگر تعارض می‌کرد، نسبت به طهارت ملاقی شک داریم اصل طهارت بدون معارض جاری می‌شود.

بعد **شیخ انصاری** نتیجه می‌گیرند بر فرض ملاقی را طرف علم اجمالی قرار بدهید ولی با تحلیلی که ما داشتیم جریان اصل در این ملاقی بدون معارض است اصل بدون معارض در اطراف علم اجمالی جاری می‌شود و مشکلی ندارد. پس شما مستدل

تلاش کردید که بگویند ملاقی می‌شود طرف علم اجمالی، بسیار خوب ملاقی شد طرف علم اجمالی ولی جریان اصل در ملاقی بدون معارض است لذا اصل طهارت جاری می‌کنیم و ملاقی پاک است.^۲

محقق خوئی در **مصباح الاصول** ج ۲ ص ۴۱۳ می‌فرماید «و یتوجه الاشکال علی هذا الجواب بالشبهة الحیدریه»^۳ اشکال بر این بیان **شیخ انصاری** شبهه حیدریه است، اینجا دقت کنید، مقصود از شبهه حیدریه شبهه ایست که **مرحوم سید حیدر صدر** پدر **شهید سید محمد باقر صدر** این شبهه را در طهارت ملاقی مطرح کرده‌اند. **مرحوم سید حیدر صدر** از شاگردان **مرحوم سید اسماعیل صدر** پدرشان و از شاگردان **مرحوم آقای شیخ حسین فثاری** و از شاگردان **مرحوم شیخ عبدالکریم حائری** بوده است. انسان دقیقی بوده است، **مرحوم سید حیدر صدر** سه فرزند داشتند، یکی **سید اسماعیل صدر** که به نام پدرش گذاشت که برادر بزرگتر **شهید سید محمد باقر صدر** بود که او هم آدم جالبی بوده است. **علامه عسکری** خاطرات فراوانی از ایشان نقل می‌کردند. یکی **سید محمد باقر صدر** و یکی **شهیده بنت الهدی**، و او هم آدم قابل توجه و دقیقی بوده است. مکانش را از نامه‌ای که **مرحوم شرف الدین** به **سید حیدر صدر** می‌نویسد از آن نامه استفاده می‌شود.

ایشان در مبحث ملاقی مشتبه و اینکه مشهور می‌گویند اجتناب از ملاقا و خود مشتبه لازم است بدون ملاقی و می‌گویند ملاقی یک مشتبه پاک است. **مرحوم سید حیدر صدر** یک اشکالی اینجا مطرح می‌کنند، می‌فرمایند مشهور طبق مبانی‌شان باید ملتزم بشوند که ملاقی هم نجس است. این شبهه ایشان در لسان اعلام معروف شده است به شبهه الحیدریه، و تفصیل شبهه را **مرحوم بروجردی** مقرر **نهایة الافکار** ج ۳ ص ۳۶۲ آورده است تحت این عنوان «(تذیل) لبعض الأجله من المعاصرین قده اشکال علی من خصص وجوب الاجتناب بالملاقی بالفتح والطرف دون الملاقی بالكسر».^۴

خلاصه اشکال: ایشان به عنوان مقدمه ورود به بحثشان می‌فرمایند که ما قبول داریم اصل سببی بر اصل مسببی حاکم است و اگر اصل سببی جاری شد نوبت به اصل مسببی نمی‌رسد و اگر اصل سببی به تعارض ساقط شد اصل در مسبب هم جاری می‌شود **مرحوم سید حیدر صدر** می‌فرمایند همه شما قبول دارید من هم این را قبول دارم ولی یک نکته دیگر هم اینجا اضافه می‌کنیم که این نکته را هم شما قبول دارید و هم ما و این نکته اتفاقی است. در جریان اصل مسببی اگر اصل مسببی در اطراف علم اجمالی متعارض شد با اصل مسببی دیگر مثل اصل سببی می‌ماند به تعارض ساقط می‌شوند و نمی‌توانیم اصل جاری کنیم. بعد می‌فرمایند یک بعد اشکالشان این است به مشهور می‌گویند درست اینجا یک ملاقی بیشتر نداریم ملاقی با یک مشتبه، ولی

۲ - فرائد الأصول جلد : ۲ صفحه : ۲۴۲: «فإن قلت: وجوب الاجتناب عن ملاقي المشتبه وإن لم يكن من حيث ملاقاته له، إلا أنه يصير كملاقه في العلم الإجمالي بنجاسته أو نجاسة المشتبه الآخر، فلا فرق بين المتلاقيين في كون كل منهما أحد طرفي الشبهة، فهو نظير ما إذا قسم أحد المشتبهين قسمين وجعل كل قسم في إناء. قلت: ليس الأمر كذلك، لأن أصالة الطهارة والحل في الملاقي - بالكسر - سليم عن معارضة أصالة طهارة المشتبه الآخر، بخلاف أصالة الطهارة والحل في الملاقي - بالفتح - فإنها معارضة بها في المشتبه الآخر. والسر في ذلك: أن الشك في الملاقي - بالكسر - ناش عن الشبهة المتقومة بالمشتبهين، فالأصل فيهما أصل في الشك السببي، والأصل فيه أصل في الشك المسببي، وقد تقرر في محله: أن الأصل في الشك السببي حاكم على الأصل في الشك المسببي - سواء كان مخالفاً له، كما في أصالة طهارة الماء الحاکمة على أصالة نجاسة الثوب النجس المغسول به، أم موافقاً له كما في أصالة طهارة الماء الحاکمة على أصالة إباحتها الشرب -، فما دام الأصل الحاکم الموافق أو المخالف يكون جارياً لم يجر الأصل المحكوم، لأن الأول رافع شرعي للشك المسبب بمنزلة الدليل بالنسبة إليه، وإذا لم يجر الأصل الحاکم لمعارضته بمثله زال المانع من جريان الأصل في الشك المسبب ووجب الرجوع إليه، لأنه كالأصل بالنسبة إلى المتعارضين».

۳ - مصباح الاصول (مباحث حجج و امارات- مكتبة الداوري) جلد : ۱ صفحه : ۴۱۳: «و یتوجه الاشکال علی هذا الجواب بالشبهة الحیدریه. و تقریرها انه كما ان جريان أصالة الطهارة في الملاقي بالكسر في طول جريان أصالة الطهارة في الملاقي بالفتح، كذلك جريان أصالة الحل في الطرفين في طول جريان أصالة الطهارة فيهما، إذ لو أجريت أصالة الطهارة و حكم بالطهارة لا تصل النوبة إلى جريان أصالة الحل، فتكون أصالة الطهارة في الملاقي بالكسر و أصالة الحل في الطرف الآخر في مرتبة واحدة، لكون كليهما مسبباً...».

۴ - نهایة الأفكار جلد : ۳ صفحه : ۳۶۳ (تذیل) لبعض الأجله من المعاصرین قده اشکال علی من خصص وجوب الاجتناب بالملاقی بالفتح والطرف دون الملاقی بالكسر بتقريب ان التكليف بالملاقي وان كان جائياً من قبل التكليف بالملاقي وبذلك تكون رتبة الأصل الجاري في السبب وهو الملاقي بالفتح متقدمة على الأصل الجاري في الملاقي ولا تصل النوبة إليه مع جريان الأصل السببي ، الا انه بعد سقوط أصالة الطهارة في الملاقي بمعارضتها مع أصالة الطهارة الجارية في الطرف ينتهي الامر إلى أصل مسببي آخر وهي أصالة الحلية من جهة سببية الشك في حلية كل من الملاقي والطرف عن الشك في طهارته ، وحيث إن هذا الأصل في عرض أصالة الطهارة الجارية في الملاقي بالكسر فلا محالة في هذه المرتبة تسقط الأصول الثلاثة ، وبعد سقوطها تصل النوبة إلى أصالة الحلية في الملاقي بالكسر لسقوط معارضتها وهي أصالة الحلية في الطرف في المرتبة السابقة فيلزم الحكم حينئذ بجواز شربه مع عدم صحة الوضوء به ونحوه مما هو مشروط بطهارته ، مع أن هذا التفكيك مما لا قائل به فان كل من قال بجواز شربه قال بصحة الوضوء به لأصالة طهارته».

با این وجود اصل سببی در مشتبهین جاری نمی‌شود این را هم قبول داریم. ولی با اینکه یک ملاقی است و اصل مسببی را هم شما در این ملاقی تصویر کردید. ولی ما یک اصول مسببی متعارض را تصویر می‌کنیم لذا اصول مسببی هم به تعارض تساقط می‌کنند و بعد وقتی به تعارض تساقط کردند در ملاقی هم علم اجمالی منجز است و احتیاط واجب است.

بیان مطلب: مرحوم سید حیدر صدر می‌فرمایند در مشتبهین شما شک دارید آیا مایع اول پاک است یا نه؟ مایع دوم هم همینگونه، این اصل سببی است همینجا یک اصل مسببی فرض می‌شود شما شک دارید آیا شرب مایع اول حلال است یا نه؟ شرب مایع دوم حلال است یا نه؟ این شک شما مسببی است، مسبب از طهارت مایع اول است. اگر مایع ظرف اول پاک باشد شربش حلال است و اگر نجس باشد شربش حرام است، پس یک حلیت فرض شد مسبب از طهارت، حالا اصل طهارت در مشتبهین به تعارض تساقط کرد، شک دارید مایع اول و مایع دوم حلال است، این اصل حل اصل مسببی است، یک اصل مسببی هم در ملاقی دارید، اصل طهارت ملاقی. اصل طهارت در ملاقی و اصل حلیت در مشبته اول و اصل حلیت در مشبته دوم، این سه اصل تعارض می‌کنند و مخالف با علم اجمالی هستند، بگویید ملاقی پاک است ظرف اول حلال است و ظرف دوم حلال است این مخالف با علم اجمالی است. اصلهای مسببی سه اصل هستند دو اصل حلیت در مشتبهین و یک اصل طهارت در ملاقی، این اصول تعارض می‌کنند و تساقط می‌کنند.

چگونه شما **شیخ انصاری** می‌گویید اصل طهارت در ملاقی بدون معارض است نخیر اصل مسببی است و دو اصل معارض هم دارد؟ لذا باید بگویید ملاقی مشبته هم وجوب اجتناب خواهد داشت. ادامه کلام خواهد آمد.